



عکس: علی محضی

گشتی در بازار تهران در روزهای اوج همه‌گیری پیک ششم

همه جاسدای عطسه می آید

محمد مصدومیان
گزارش نویس

پرسیده و او در جواب با صدایی رسا بدون توجه به دیگران می‌گوید: «کمی بدتم درد می‌کند و کوفته هستم اما مشکلی نیست، تا یک ربع دیگر می‌رسم و بسته را به شما می‌رسانم.» باز جای شکرش باقی است که به اطرافیان بی‌گناهِش هشدار می‌دهد. چند نفر که اطراف او نشسته‌اند خودشان را جمع و جور می‌کنند و من نگاهم بی‌پیرمردی است که از جای خود برمی‌خیزد و به کوفه بعدی می‌رود. کمی جلوتر می‌روم تا کوفه دیگر را ببینم آنجا هم چند جوان بدون ماسک مشغول شوخی و خنده هستند. انگار پیرمرد راه فراری ندارد. روی صندلی دیگر مادری با فرزند کوچکش نشسته و بچه ماسکی به صورت ندارد. مادر از کیف موزی را در می‌آورد و به کودکش می‌دهد و آرام آرام مشغول خوردن می‌شود. انگار که مادر هیچ چیزی از ابتلای بالای کودکان در این پیک نشینده است. در همین فکرها و نگرانی‌ها هستم که مردی دوبار پشت هم عطسه می‌کند. مترو کم‌کم شلوغ می‌شود و دیگر از فاصله مطمئن خبری نیست. مردم دهان به دهان یکدیگر ایستاده‌اند و هر از گاهی سرفه خشک یا صدایی که دورگه و گرفته است توجه مرا به خودش جلب می‌کند.

ورودی مترو به خیابان پانزده خرداد و بازار بزرگ مثل همیشه شلوغ است. از بین جمعیتی که تنه به تنه خود را به خروجی مترو می‌رسانند بالا می‌روم. در حال راه رفتن به تانوپ از اطراف صدای عطسه و سرفه می‌آید. اینجا هم کسی برای امیکرون تره خرد نمی‌کند و خیلی‌ها با داشتن علامت راهی کوچه و بازار شده‌اند. روبه‌روی مغازه عطاری که فروشندانش دو ماسک تمیز و نو زده می‌ایستم و رفت



فروشنده که تقریباً ۶۰ ساله به نظر می‌رسد از بیماری‌های زمینهای خودش می‌گوید و تلاشی که این دوسال برای مبتلا نشدن کرده است: «هم عمل قلب باز کرده‌ام هم درگیر قند خون هستم و قرص مصرف می‌کنم، کاری جز رعایت بیشتر از من بر نمی‌آید.»

دور سبزه میدان که معمولاً پاتوق فروشندگانی است که از ارزش است مردان زیادی را فاصله کم مشغول سیگار کشیدن هستند و هر کس در میدان ایستاده دود و شاید ویروس نصیبش می‌شود. بعضی دور فروشند جمع شده‌اند و با سرهای نزدیک بهم مشغول قیمت گرفتن هستند لابد هنوز خبر درنگ انتقال ویروس امیکرون در ۱۵ ثانیه را ننشیده‌اند و شاید هم با خودشان می‌گویند لابد مانند یکی از دوستانشان مثل سرماخوردگی آن را رد می‌کنند. اما تا حالا متوجه نشده‌اند که یک ویروس مشترک در هر بدن واکنشی متفاوت نشان می‌دهد؟

نزدیک غروب آفتاب نیمه‌جان زمستان به میدان تجریش می‌رسم. همزمان پیاده‌رو و خیابان ترافیک است. رگال‌های فروش لباس پیاده‌رو را بند آورده و مردم درهم می‌لولند و نیم‌قدم نیم‌قدم جلو می‌روند. دیدن زن و مرد و پیر و جوانانی که بدون ماسک درحال تردد هستند کار راحتی نیست. مردی با کت و شلوار شیک و کیف مدیریتی در دست به دیواری تکیه زده دستش را روی ماسک گذاشته و چند عطسه محکم می‌کند. از چشمان قرمز و مریض می‌توان فهمید که مبتلا شده است. جایی می‌ایستم و نگاهش می‌کنم. آرام آرام خودش را به سکویی می‌رساند و می‌نشیند طوری که انگار بدنش مانند ورزشکاران خالی کرده باشد. لابد انجام کارها و پول درآوردن از سلامتی مهم‌تر است. داخل یکی از پاساژهای پشت امام‌زاده طاهر(ع) مردم درحال خرید و رفتن آمد هستند؛ آنقدر شلوغ که فکر می‌کنم

لابد برای خرید شب عبید آمده‌اند. روبه‌روی فروشگاه‌هایی که انواع و اقسام بلال با طعم‌های مختلف می‌فروشد کمی ترسناک است. عده زیادی در صف ایستاده‌اند و عده‌ای هم با ولع مشغول خوردن هستند. از دور درحال تماشا هستم که حرف‌های یکی از کاسبان با همکار دیوار به دیوارش توجهم را جلب می‌کند.

مرد جوان که روی صندلی بیرون مغازه نشسته به آن یکی که مشغول سیگار دود کردن است، می‌گوید: «دو روز است آبریزش بینی دارم اما خدا روشکر سرچالم تا حالا که نه من به روی خودم آوردم نه کرونا. فعلاً جای خوابم را توی خانه عوض کرده‌ام که خانم و بچه‌ها درگیر نشوند.» دوستش می‌خندد و می‌گوید: «این دفعه کرونا شبیه سرماخوردگی است لازم نیست خانه بمانی.» مرد مبتلا ادامه می‌دهد: «آره خیلی خفیف است دکتر هم رفتم گفت باید ۱۰ روز خانه بمانی اما آدم که سرحال است چرا باید خانه بماند؟» لابد جواب

جدول سودوکو ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

جدول سودوکو

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول. به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۵۲

لِهسٔانِی - نغمه
 ۱۰- گیاهی خاردار - یکی از انواع صنایع دستی -
 شُب‌های عرب
 ۱۱- اسلُوب - مادر - صدمه
 ۱۲- محله‌ای در تهران - پارچه عریض - پرچانگی - رتبه و پایه
 ۱۳- شُب‌گذشته - اندیشیدن - زن گندمگون
 ۱۴- پیشرفت کردن - بیزاری - جسارت و پرندلی
 ۱۵- رئیس جمهور «لانوس» - اثر «حسین آهی»

عمودی:
 ۱- فیلمی در ژانر هجو به کارگردانی «بن استیلر» - نوبت بازی
 ۲- حیوان درخت‌زی - روا - امضای چک
 ۳- نزدیکتر از همان - بهشت گیلان - واحد زلزله

۴- آموزش - پهنا، دامنه - پهلوان - ثبات
 ۵- خوشاوندی - علامت نگارشی - کلاهک دودکش
 ۶- پرسفید - صفت گربه - شمعک
 ۷- در پارک بجویید - قشر خارجی پوست - نقرین
 ۸- خوشما - تلفظ «ن» - آگاه
 ۹- آفتاب نیستا - میزتودین فیلم - از القاب اروپایی
 ۱۰- بدون دغغه - واحد وزن - مرطوب
 ۱۱- پول کشور آفتاب تابان - وسیله دست پلیس - نشانی خانه
 ۱۲- فیلم «اسپلبرگ» - میوه - شیدا - شهر «آبشارهای روان»
 ۱۳- رنگ سرخ مایل به قهوه‌ای - پر خون - از توابع بجنورد
 ۱۴- مراجعت کردن - نرم افزاری برای طراحی سه بعدی و انیمیشن‌سازی - مردان بلندپایه
 ۱۵- مخفف نیگو - اپرت «اسکار استراوس»

جدول عادی

۱- دارای الوان مختلف - ذکاوت، زیرکی
 ۲- جمع امر - گل هفت‌سین - اعتبار
 ۳- پنگه دنیایی - پایتخت «بنگلادش» - شهر استان چهارمحال و بختیاری
 ۴- دانه انگور - مخفف اگر - پیشه‌وران - بیماری
 ۵- گربه عربی - سمبل عدالت - جنس بعضی از ظروف
 ۶- گاهنامه - نان یا غذایی که مدتی مانده باشد - فلز سانا
 ۷- بی آبرو - دلچسب و خوشایند - قصد
 ۸- هم‌دوره - قوت لایموت - خدای هندی
 ۹- اشاره به نزدیک - شفای بیمار - نزدیک بین
 ۱۰- عود - از ماهیان پرورشی - به معنی برقش و نگار
 ۱۱- تن و پیکر - سرخ رنگ - حتماً به دنبالش خورد می‌آید
 ۱۲- حرف فاصله‌انداز - پارسنگ ترازو - پیایی - جدا
 ۱۳- پیدا کرد - فریاد بلند - فاکتور معروف خون
 ۱۴- حفره‌ای در قلب - نوعی آنزیم - سکوی پرتاب موشک
 ۱۵- غذای سنتی ایرانی - عمارت

جدول عادی

۱- دارای الوان مختلف - ذکاوت، زیرکی
 ۲- جمع امر - گل هفت‌سین - اعتبار
 ۳- پنگه دنیایی - پایتخت «بنگلادش» - شهر استان چهارمحال و بختیاری
 ۴- دانه انگور - مخفف اگر - پیشه‌وران - بیماری
 ۵- گربه عربی - سمبل عدالت - جنس بعضی از ظروف
 ۶- گاهنامه - نان یا غذایی که مدتی مانده باشد - فلز سانا
 ۷- بی آبرو - دلچسب و خوشایند - قصد
 ۸- هم‌دوره - قوت لایموت - خدای هندی
 ۹- اشاره به نزدیک - شفای بیمار - نزدیک بین
 ۱۰- عود - از ماهیان پرورشی - به معنی برقش و نگار
 ۱۱- تن و پیکر - سرخ رنگ - حتماً به دنبالش خورد می‌آید
 ۱۲- حرف فاصله‌انداز - پارسنگ ترازو - پیایی - جدا
 ۱۳- پیدا کرد - فریاد بلند - فاکتور معروف خون
 ۱۴- حفره‌ای در قلب - نوعی آنزیم - سکوی پرتاب موشک
 ۱۵- غذای سنتی ایرانی - عمارت

جدول عادی

۱- دارای الوان مختلف - ذکاوت، زیرکی
 ۲- جمع امر - گل هفت‌سین - اعتبار
 ۳- پنگه دنیایی - پایتخت «بنگلادش» - شهر استان چهارمحال و بختیاری
 ۴- دانه انگور - مخفف اگر - پیشه‌وران - بیماری
 ۵- گربه عربی - سمبل عدالت - جنس بعضی از ظروف
 ۶- گاهنامه - نان یا غذایی که مدتی مانده باشد - فلز سانا
 ۷- بی آبرو - دلچسب و خوشایند - قصد
 ۸- هم‌دوره - قوت لایموت - خدای هندی
 ۹- اشاره به نزدیک - شفای بیمار - نزدیک بین
 ۱۰- عود - از ماهیان پرورشی - به معنی برقش و نگار
 ۱۱- تن و پیکر - سرخ رنگ - حتماً به دنبالش خورد می‌آید
 ۱۲- حرف فاصله‌انداز - پارسنگ ترازو - پیایی - جدا
 ۱۳- پیدا کرد - فریاد بلند - فاکتور معروف خون
 ۱۴- حفره‌ای در قلب - نوعی آنزیم - سکوی پرتاب موشک
 ۱۵- غذای سنتی ایرانی - عمارت

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

جدول سودوکو شماره ۷۸۵۱

۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱